



## زنان ایرانی پس از اصلاحات

الهه کولایی\*

زنان ایرانی در مقایسه با دیگر زنان خاورمیانه و جوامع اسلامی در طول یک‌صد سال گذشته همراه با مردان ایرانی، در مسیر تلاش برای تامین حقوق انسانی خود تجارب ارزشمندی آندوخته‌اند. این واقعیت کتمان‌ناپذیر است که جنبش دموکراسی خواهی در ایران بر شرایط و جایگاه زنان تأثیری مستقیم و فوری داشته و همراه با فراز و نشیب‌های سیاسی، مسائل زنان نیز دچار دگرگونی‌های مختلف شده است. در متن این تحولات، انقلاب اسلامی ایران فرصت‌های جدیدی را فرا روی زنان قرار داد، هر چند کنار گذاشتن مدل‌نوسازی غربی به نوبه خود محدودیت‌های ذاتی جامعه سنتی را شدت می‌بخشیده ولی اهمیت این تغییرات در زمینه‌های پرقدرت داخلی و بومی آن، بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نهفته است. زنان همان‌گونه که در برپایی و پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی ایفا کردند - واقعیتی که به طور مکرر از سوی رهبر فقید انقلاب اسلامی مطرح می‌شد - در شکل‌گیری جنبش اصلاحی و استقرار دولت و مجلس اصلاحات نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که نمادی از تلاش برای نهادینه ساختن آرمان‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، تکالیف مشخصی را برای دولت جمهوری اسلامی در مسیر رفع ستم‌ها و تبعیض‌های تاریخی علیه زنان ارائه کرده و ظرفیت مناسبی برای بیان خواسته‌های زنان و پیگیری آن‌ها فراهم آورده است. نگرش رهبری انقلاب اسلامی در مورد وجود حضور اجتماعی زنان و نگاه انسانی و نه ابزاری به آنان، مجال مناسبی برای فعالیت‌های چشمگیر زنان در عرصه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی ایجاد کرد. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، حضور فزاینده زنان در این عرصه‌ها بود که در بخش‌های آموزشی و علمی با سرمایه‌گذاری قابل

توجهی تحقق یافت. افزایش سطح تحصیلات زنان، تأثیرات آشکاری در ارتقای انتظارات و خواسته‌های آنان داشت. این مساله با دیدگاه‌ها و آموزه‌های رهبری انقلاب اسلامی و همه مسئولان در سطوح مختلف ارتباط مستقیم داشت. آنان که در بیانات و سخنان خود از جایگاه والای زنان و ضرورت پاسخ به نیازهای آنان بسیار سخن گفته بودند. اساساً انتخاب روز تولد حضرت زهرا (س) به عنوان روز زن، خود تلاشی روشن برای ارائه الگوی مناسب جهت رفع عقب‌ماندگی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی در میان زنان بود.

نکته قابل توجه این که بر خلاف سرمایه‌گذاری انجام شده در مهارت‌یابی علمی و عملی زنان، شرایط برای ورود آنان به بازار کار بهبود نیافت. البته این مشکل در همه جوامع اسلامی در خاورمیانه وجود دارد، تنها در شرق آسیا وضعیت به گونه دیگری است. عدم دسترسی زنان به منابع مالی لازم، آثار خود را در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی آنان نیز بر جای نهاده است.

از آنجا که همواره مردان نان‌آور خانواده برآورد شده‌اند با فرض ثابت دانستن کنش بازار کار، حضور اقتصادی زنان با چالش‌هایی جدی مواجه شد، ولی زنان ایرانی در برابر موانع و مشکلات توسعه مشارکت سیاسی-اجتماعی خود از پای ننشستند. آنان با حضور موثر و یکپارچه خود به جنبش دوم خرداد عینیت بخشیدند و برای غلبه بر دشواری‌هایی که ریشه در فرهنگ مردسالار کهن جامعه ایرانی داشته بیشتر تلاش کردند. در دوران اصلاحات شرایط برای گسترش تلاش‌های همه‌جانبه زنان در حوزه‌های مختلف سیاسی-اجتماعی و اقتصادی مهیاتر شد. تلاش‌های آقای خاتمی برای ایجاد و تقویت جامعه مدنی، برای زنان هم موقعیت مناسبی برای افزایش نهادهای مدافع حقوق زنان به همراه آورد.

البته این نکته قابل ذکر است که زنان ایرانی نه تنها برای حقوق خود، که برای احقاق حقوق فرزندان و همسران خود نیز بر فعالیت‌هایشان افزودند. آنان همانند دیگر زنان در جهان، آموخته‌اند که حقوق اساسی خود را در سلسله‌مراتبی از خواسته‌های دیگران جستجو کنند. به همین دلیل، فقر در اشکال گوناگون آن بیشتر دامنگیر زنان می‌شود، مثلاً بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در بیشتر خانواده‌های

ایرانی سهم تغذیه و رفع نیازهای زنان در خانواده، نسبت به اعضای دیگر در پایین‌ترین اولویت قرار دارد.

به هر ترتیب مجلس و دولت اصلاحات تلاش برای تأمین خواسته‌های زنان را در فرآیندی همه‌جانبه سامان داد. هر چند سرعت تحول بسیار زیاد بود، ولی دامنه و عمق محرومیت‌ها و عقب‌ماندگی‌ها، همچنان بر حجم مطالبات می‌افزود. افزایش چشمگیر منابع مالی برای فعالیت‌های زنان و انتقال نگرش جنسیتی به برنامه چهارم توسعه کشور و اصلاحات در قوانین مربوط به زنان، تنها بخشی از نتایج اقدامات مشترک مجلس و دولت اصلاحات در تأمین خواسته‌های بر حق زنان در این دوران به شمار می‌آید. هر چند تعداد زنان در لیست‌های مدیریتی هم به سه برابر افزایش یافته ولی به دلیل همین فاصله‌ها، وضعیت رضایت‌بخش ارزیابی نمی‌شد.

فعالیت‌های نظارتی نمایندگان زن در مجلس ششم، بخش مهمی از تلاش برای دفاع از حقوق زنان بود. در این دوره نه تنها مسائل زنان در قلمرو شهری، بلکه بهبود و ارتقای شرایط زنان در روستاها هم مورد توجه جدی قرار گرفت. هر چند اصلاح‌طلبان اهمیت پرداختن به مسائل زنان را در متن جنبش دموکراسی‌خواهی مورد توجه قرار ندادند، ولی در مجموع برای پیشبرد هر جنبش اصلاحی توجه ویژه به مسائل زنان، ضرورتی غیر قابل انکار بوده است.

**پس از اصلاحات**

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی حضور گسترده زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های وسیع آنان در عرصه اجتماعی و خارج از قلمرو خانگی بوده است. در دوران اصلاحات تلاش شد تا متناسب با دگرگونی‌های اجتماعی-فرهنگی، پاسخ‌های لازم به این نیازها ارائه شود که در بخش پیش به اختصار به بخشی از آن‌ها پرداخته شد. ولی با پایان حضور سیاسی اصلاح‌طلبان در عرصه قدرت، محافظه‌کاران تلاش وسیعی را آغاز کردند تا زنان را به خانه بازگردانند. زنان ایرانی فراموش نمی‌کنند هنگامی که در پایان مجلس اول گروهی از سنت‌گرایان از امام خمینی (ره) خواستند مانع حضور زنان در مجلس شورای اسلامی شوند، زیرا آنان صلاحیت رای دادن یا طرف مشاوره قرار گرفتن را ندارند، البته پاسخ امام شدید و کوبنده بود، بدان سان که این افراد تنها توانستند منتظر شرایط

مناسب و فرصت مقتضی بنشینند. ...

رهبری انقلاب اسلامی نه تنها به ضرورت حضور اجتماعی زنان، بلکه بر وجوب آن اصرار می‌ورزیدند. مخالفان این نگرش زنان را بر اساس تجربه طولانی تاریخی متعلق به خانه و حوزه خصوصی می‌دانستند. اولین اقدام دولت جدید هم تغییر نام مرکز امور مشارکت زنان به مرکز زنان و خانواده بود، زیرا به تعبیر یکی از ایشان، زن فقط در چارچوب خانواده قابل ملاحظه است. این تحول به خودی خود از شکل‌گیری دگرگونی‌های مهمی در آینده خبر می‌داد.

رییس جدید مرکز "زنان و خانواده" ریاست جمهوری، فاقد تجربه فعالیت خاص حوزه زنان و مخالف پرداختن به دستاوردهای جهانی برای کاهش دشواری‌های زنان در ایران بود. وی به صراحت پیوستن به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۱</sup> را مردود خواند و آن را ضد ارزش‌های دینی تلقی کرد. محافظه‌کاران بدون توجه به حق شرط اعلام شده از سوی دولت جمهوری اسلامی در دوران آقای خاتمی که بخش‌های مغایر با اسلام در این کنوانسیون را از دایره پذیرش ایران خارج خوانده بود، پیوستن به آن را به شدت مورد حمله قرار دادند.

**مساله زنان در مجلس هفتم**

پس از پایان دوره مجلس ششم که نمایندگان زن کوشیدند با حمایت نمایندگان مرد، قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان را اصلاح کنند و قوانینی هم برای بهبود شرایط آنان به تصویب برسانند، به طور کلی از مساله زنان حساسیت‌زدایی شد. در این دوره که اکثریت قریب به اتفاق زنان به جریان محافظه‌کار تعلق داشتند، فراکسیون زنان شکل نگرفت. اکثریت آنان نیز همانند رییس مرکز زنان و خانواده ریاست جمهوری اساساً نسبت به مسائل زنان نگاه ویژه و حساسیت خاص نداشتند. یکی از اولین اقدامات مجلس هفتم حذف عبارت "عدالت جنسیتی" از برنامه چهارم توسعه بود. این نکته حائز اهمیت است که در برنامه چهارم توسعه بر اساس موازین و حساسیت‌های داخلی، برخلاف جریان جهانی برابری طلبی برای زنان که بر "برابری زنان و مردان" در حوزه‌های مختلف اجتماعی تأکید می‌شود، بر "عدالت جنسیتی" و تنظیم روابط زن و مرد بر پایه عدالت تأکید شد، ولی همان طور که گفته شد حتی این گرایش نیز مورد پذیرش قرار نگرفت. عبارت "عدالت جنسیتی" از برنامه

چهارم توسعه حذف شد، هر چند سپس کل آن کنار گذاشته شد.

همان گونه که پیش از این اشاره شد، نمی‌توان مساله زنان را در کشورهای جهان سوم جدا از امور سیاسی مورد ارزیابی قرار داد. هر چند در دوران مجلس ششم اکثریت نمایندگان کوشیدند پاسخ‌های مناسبی برای خواسته‌ها و مطالبات گوناگون زنان ایرانی ارائه کنند اما در مجلس هفتم این نیازها به طور چشمگیری مورد انکار قرار گرفتند. دگرگونی‌های عمیق و وسیع اجتماعی در ایران در پی طرح شعارهای حق طلبانه زنان در انقلاب اسلامی و ظرفیت‌های ارائه شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت توجه به نیازهای رو به افزایش زنان را غیرقابل انکار می‌ساخته ولی اکثریت نمایندگان مجلس هفتم بدون توجه به واقعیت‌های مبرم جامعه ایرانی در مورد اصلاح قوانین مربوط به زنان، تلاش موثری را شکل ندادند. در دوره جدید حضور زنان در هیات ریسه مجلس و کمیسیون‌های آن بسیار کم‌رنگ شد؛ نه در هیات ریسه مجلس و نه در هیات ریسه کمیسیون، فعالیت موثری از سوی زنان مشاهده نشده البته اعتقادی هم به ضرورت آن وجود نداشت.

این تحول در مورد انتخاب کابینه آقای احمدی‌نژاد نیز خود را آشکار ساخت. وی در پاسخ به تقاضای برخی از نمایندگان برای در نظر گرفتن سهمیه جنسیتی برای زنان در تعیین اعضای هیات دولت، این روش را مخالف حقوق بشر و عدالت دانست. به هر حال مانند دوران اصلاحات هیچ زنی برای وزارت برگزیده نشد،

ولی دولت نهم از دستاورد دولت سیدمحمد خاتمی چشم‌پوشی نکرد و همچنان دو زن را برای حضور در کابینه نگه‌داشت. به این ترتیب روند پیشرفت سهمیه‌بندی جنسیتی در عرصه اجرا متوقف شد. حتی زنان فرهیخته، کاردان، مدیر و لایقی که پیش از این در دستگاه‌های مختلف اجرایی، لیاقت و شایستگی‌شان مورد اذعان قرار گرفته بود، در پرتو نگرش جدید، به عرصه‌های بالای مدیریتی راه نیافتند، چرا که اساسا مجلس و دولت جدید زنان را به حوزه خصوصی و به حریم خانگی متعلق می‌دانست. با این وجود آن‌ها با تحولی اساسی در جامعه ایرانی مواجه بودند که به یمن انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های رهبری آن ایجاد شده بود و منشاء تحولات اساسی در جامعه قرار گرفته بود. برای حکومتگران جدید نفی دستاوردهای انقلاب اسلامی و حضور چشمگیر و اثربخش زنان در حوزه عمومی اقدامی کم هزینه نبود. پشتوانه‌های پر قدرت نظری رهبری انقلاب اسلامی امکان خدشه وارد کردن به این عرصه را بسیار پرهزینه ساخته است ولی به هر حال آنان که در حضور امام خمینی (ره) خواستار عدم مشارکت زنان در عرصه انتخابات مجلس بودند منتظر موفقیت و شرایط مناسب مانده بودند. اکثریت نمایندگان زن در مجلس جدید مدعی بودند بر نیازها و خواسته‌های اساسی و واقعی زنان تاکید دارند، بر مسائلی مانند غذا و مسکن و ... که البته از چارچوب کلی شعارها و برنامه‌های کارگزاران جدید حکومتی در ایران جدا نبود.

زنان مجلس هفتم، طرح بیمه زنان خانه‌دار را که از مجلس ششم باقی مانده بود، دنبال کردند. کمیسیون فرهنگی مجلس نیز طرح مد و لباس را در اولویت کار خود قرار داد تا مجددا نحوه پوشیدن لباس در حوزه عمومی را برای زنان ایرانی مدیریت کند. شیوه‌هایی که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با روش‌های نامناسب و ناکارآمد، پیش از آن بارها مورد آزمون قرار گرفته بود و ناکارآمدی‌شان به اثبات رسیده بود. به هر حال برای اکثریت نمایندگان محافظه‌کار مجلس، تکلیف سامان دادن به نوع پوشش از نوع افراطی آن جنبه محوری یافته ولی تحولات جامعه ایرانی و تنوع طلبی و رفع نیازهای طبیعی انسانی مسیر خود را پیموده است.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های دگرگونی در ایران

پس از اصلاحات، تمرکز بر نوع حجاب زنان در اماکن و محیط‌های عمومی بوده است. محافظه‌کاران به شدت به لباس پوشیدن زنان ایرانی که با سلیقه‌ها و انتظارات آنان سازگاری نداشت، تاختند. از دید آن‌ها مد و لباس باید توسط دولت برای جامعه مشخص شود و اساسا این حق حکومت است که نوع پوشیدن لباس را برای مردم مشخص سازد و البته تکلیف مردم است که آنگونه که تشخیص داده شده، لباس بپوشند. این تمرکز ویژه به برخوردهای فیزیکی نیز منجر شد، هر چند بسیاری از نمایندگان مجلس و مجریان عالی‌رتبه حکومتی بر این باور بودند که فشار و سرکوب برای تغییر لباس و مد بی‌نتیجه است. شرایط ایران پس از سال‌ها اعمال فشار بیرونی و درونی، به خوبی نشان‌دهنده عدم موازنه نیروهای اجتماعی در کشور است. از نظر بسیاری از محافظه‌کاران برای اجرای الگوی مناسب فرهنگی و بهبود شرایط فضاهای عمومی، بهتر است از روش‌های فرهنگی و نرم بهره گرفته شود، ولی این تجویز فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفت. بار دیگر ترویج پوشیدن چادر مورد توجه قرار گرفت و اشکال گوناگون آن از طریق ترغیب و مکانیسم‌های گوناگون اجبار مرئی و نامرئی رشد کرد، ولی واقعیت‌های غیرقابل انکار اجتماعی-اقتصادی همچنان در برابر اجرای این نگرش مقاومت می‌کردند. نسل جوان و بسیاری از زنان و مردان ایرانی با استانداردهای رسمی سیاسی برای پوشیدن لباس سازگاری ندارند، ولی تقابل با آن را نیز دنبال نمی‌کنند. آنان بر اساس سلیقه‌های گوناگون، خواستار پذیرش حق انتخاب‌های خود در این زمینه هستند، هر چند نمی‌توان رفتار واکنشی و حتی انتقامجویانه برخی از شهروندان را نیز در این زمینه انکار کرد. به هر حال محافظه‌کاران مرحله جدیدی از تبلیغ و ترویج مطلوبیت‌های خود را در مورد پوشش با استفاده از ابزارها و روش‌های پیشین دنبال کردند. بدون تردید مقایسه فضای عمومی در ایران با دیگر جوامع اسلامی در این زمینه بسیار گویا و قابل تأمل است، چرا که اجبار و اکراه در هیچ دوره‌ای از حیات بشر ماندگاری نداشته است. اساسا پاسخ به آن نیز همواره به مصداق انسان حریص علی ما منع برعکس بوده است. کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم سیاست‌های دولت خاتمی را موجب بروز فساد و تباهی در

جامعه قلمداد کرد، بدون توجه به این واقعیت که بذر این کنش ها با رفتارهای اجباری و آکراه آمیز که ریشه در سال های گذشته دارند افشاند شده است. دولت اصلاحات تلاش کرد ضرورت تغییر در روش های ناکارآمد فرهنگی را گوشزد کند و براساس آن تحولی مثبت را شکل دهد.

از نظر اکثریت اعضای این کمیسیون در مجلس هفتم، ناهنجاری های فرهنگی ناشی از سیاست های دولت اصلاحات است. در همین زمینه تصویب الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۱</sup> محکوم شد و این اقدام گامی در مسیر مبارزه و نابودی ارزش های فرهنگی و دینی برآورد شد. نمایندگان محافظه کار هفتاد مورد نقض در این کنوانسیون یافتند و در مورد آن تبلیغات وسیعی به راه انداختند. انتظاری جز الغای این مصوبه از مجلس هفتم نمی رفت، به تعبیر یکی از بزرگان دینی، گویی اسلام طرفدار تبعیض علیه زنان است! در بحث علیه کنوانسیون CEDAW به تحفظ های دولت ایران و این که موارد ناقض شرع در این قانون مورد قبول دولت نبوده است، توجهی نشد.

به هر حال نمایندگان زن در مجلس هفتم هم نتوانستند نسبت به روش های ناعادلانه برخی از همکاران محافظه کار خود برای منزوی کردن زنان سکوت کنند. هر چند بحث شکل گیری فراکسیون زنان ادامه یافته ولی به هر حال این نهاد تشکیل نشد. از نظر آن ها کمیته امور خانواده و زنان در کمیسیون فرهنگی برای پیگیری مسائل زنان از کفایت لازم برخوردار بود. روند کنار گذاشتن نمایندگان زن در مجلس هفتم حتی با اعتراض برخی از نمایندگان اقلیت هم مواجه شده بود.

بر اساس نگرش حاکم بر مجلس، کاهش ساعات کار زنان در دستگاه های دولتی به عنوان خدمتی به خانواده و افزایش شادی در آن، معرفی و پیگیری شد. شاید برای برخی از زنان شاغل در این دستگاه ها مزایای کوتاه مدت این امر قابل توجه بود، ولی همگان متوجه بودند که در بلندمدت این مساله سبب کاهش پذیرش زنان در بخش عمومی خواهد شد یا دست کم تعداد آن ها را در مسیر افزایش قرار نخواهد داد. هواداران این طرح معتقد بودند مردان ترجیح می دهند هنگامی که به خانه می آیند، همسرانشان در خانه باشند و این تقلیل ساعات

کار برای زنان، در این زمینه اثرگذار خواهد بود. حتی یکی از زنان نماینده پیشنهاد تعدد زوجات را با توجه به توانمندی های بعضی از مردان ارائه کرده بود. نماینده ای که این پیشنهاد را مطرح کرده بوده به شدت از سوی زنان و حتی برخی مردان منصف و معقول مورد حمله قرار گرفت و در این زمینه سکوت پیشه کرد.

به این ترتیب در پایان دوران اصلاحات، دستاوردهای آن در حوزه مسائل زنان به طور جدی هدف قرار گرفت. با محور قرار گرفتن خانواده که اصلاح طلبان نیز با آن مخالفتی نداشتند، محدود کردن عرصه های حضور زنان به تدریج تسریع شد. دگرگون کردن محتوای برنامه چهارم توسعه با حذف عبارت "عدالت جنسیتی" در این خصوص قابل ملاحظه است. در شرایط جدید حتی بخش هایی از کنوانسیون حقوق کودک نیز مورد مخالفت قرار گرفت. در مقایسه با نمایندگان زن در مجلس ششم که اکثر آنان به دانش آموختگان دانشگاهی و مدرسان آن تعلق داشتند، بیشتر نمایندگان زن در مجلس هفتم برخاسته از رده های مختلف بسیج بودند. تلاش برای جدا کردن زنان تا جایی پیش رفت که حتی برخی از زنان محافظه کار نیز به اعتراض پرداختند و رفتار تبعیض آمیز همکاران مرد خود را مورد انتقاد قرار دادند. هواداران جداسازی زنان و مردان در سال های آغازین انقلاب اسلامی نیز به تلاش ناموفقی در این خصوص دست زدند که رهبری انقلاب اسلامی به شدت با آن روبرو شد و خواستار تغییر در وضعیت موجود گشت. به هر روی زنان محافظه کار نیز نتوانستند در دوره پس از اصلاحات، اهمیت و حساسیت مسائل زنان را انکار کنند، هر چند اولویت ها و حساسیت های آنان اساسا متفاوت بود. یکی از مهم ترین موضوعات در سال های پس از انقلاب اسلامی عدم جواز قضاوت زنان بود که در پرتو تلاش های زنان و مردان منصف و دانا در سال های اخیر دگرگونی هایی در این مساله شکل گرفته است. حضور مشورتی زنان در دادگاه های خانواده گامی در این مسیر بود؛ هر چند زنان قاضی از نظر مشورتی برخوردار شدند، ولی در نهایت به حق انشاء حکم دست نیافتند. با این وجود حضور زنان در دادگاه های خانواده بی تردید با کاهش فشار بر زنان همراه بوده است. انتقال مطالب مورد شکایت توسط زنان ستم دیده به

قضات زن، شرایط را برای تامین حقوق آن ها بهبود بخشید؛ ولی در هر صورت برای بسیاری از نمایندگان محافظه کار اصولا زن موجودی است که در روابط خانوادگی هویت می یابد. از این منظر دیگر تکالیف و وظایف زنان باید بر اساس تکالیف خانگی آن ها تنظیم و اجرا شود.

به زودی زنان محافظه کار نیز دریافتند در درون این اردوگاه هم راه ها برای ریاست جمهوری زنان بسته است. شورای نگهبان صلاحیت زنانی را که برای انتخابات نهم از میان نمایندگان مجلس کاندیدا شده بودند، رد کرد. نگرش مردم محور برای توانمندی ها و شایستگی های زنان در پست های عالی و مدیریتی جایگاهی قائل نیست. در این دیدگاه زنان نمی توانند رییس جمهور باشند هر چند توانایی برگزیدن فردی برای این عنوان را دارا هستند. بحث در این زمینه ادامه یافته است. بر اساس نگرش سنتی در مورد زنان، آن ها به عرصه خصوصی و خانگی تعلق دارند و نه قلمرو اداره کشور، هر چند رهبری انقلاب اسلامی بارها از اهمیت نقش زنان در حوزه عمومی و ضرورت ایفای نقش از سوی آنان در تعیین مقررات اساسی کشور سخن گفته باشند.

مجلس هفتم برخی از طرح ها و لوایح بر جای مانده از مجلس ششم را نیز همانند مجالس گذشته در دستور کار قرار داد، مانند طرح حمایت از مادران و کودکان که در قالب اجرای سقط جنین تنظیم شده بود. در این طرح از صدور جواز سقط جنین در صورت بروز خطر برای مادر و کودک سخن گفته شده بود. با تغییر نگرش در دولت نسبت به نقش زنان و کارکردهای اجتماعی آنان، بودجه افزایش یافته برای بخش زنان نیز به سرعت رو به کاهش نهاد. افزایش چشمگیر بودجه زنان در دولت اصلاحات که زمینه را برای گسترش فعالیت های گوناگون برای بهبود وضعیت زنان مهیا ساخته بود، در پرتو دگرگونی های جدید متوقف گشت و روند کاهش آن آغاز شد. یکی از مهم ترین پیامدهای پایان دوران اصلاحات برای زنان ایرانی، کنار گذاشته شدن اراده سیاسی برای پیوستن به کنوانسیون CEDAW بود. فعالیت های مرکز امور مشارکت زنان، توانمندسازی زنان را برای دستیابی به حقوق انسانی شان هدف قرار داده بود. افزایش آگاهی های جنسیتی و برنامه ریزی در این مسیر از طریق راه اندازی و گسترش رشته های مطالعات زنان دنبال شده بود که از

تحولات جدید برکنار نماند. ولی نمایندگان مجلس هفتم برای رییس این مرکز، پرونده اتهامی گشودند و پس از تحقیق و تفحص پرونده خانم شجاعی را به دلیل دامن زدن به مباحث حقوق زنان در کشور به دستگاه قضایی ارسال کردند، در حالی که او فرزند یک روحانی خوشنام و همسر یک روحانی شناخته شده دیگر است و نقش برجسته‌ای در تقویت و گسترش ادبیات حقوق زن در ایران ایفا کرده است.

از دیگر ناکامی‌های مجلس هفتم آن بود که نتوانست در وضعیت زنان ایرانی که با اتباع بیگانه ازدواج کرده‌اند، بهبودی ایجاد کند ولی در پرتو ادامه تلاش‌های نمایندگان مجلس ششم با دستگاه‌های مربوطه، در این زمینه تسهیلاتی به وجود آمد هر چند در مقایسه با شرایط مردانی که با زنان بیگانه ازدواج می‌کنند، اعمال تبعیض‌های ناروا ادامه یافت. حضور صدها هزار افغانی و عراقی در ایران طی بیش از دو دهه سبب انجام ازدواج‌های متعدد در میان دختران ایرانی با این مردان شده که با توجه به قوانین موجود کشور، شرایط بسیار دشواری را برای این خانواده‌ها ایجاد کرده است. نگرانی از تاثیرگذاری هرگونه اصلاح در این زمینه بر روند ازدواج با بیگانگان، امکان هرگونه پیشروی در این مسیر را از میان برده است.

سخنان آقای حسین نجابت‌نماینده مردم شیراز، به خوبی بیانگر نگرش حاکم نسبت به زنان در شرایط پس از اصلاحات در ایران است: "زن را فقط در چارچوب خانواده می‌توان تصور کرد". طی قرون متمادی زنان در ایران فقط در حوزه خانه و خانواده موجودیت داشته‌اند.

یکی از پر سروصداترین اقدامات علیه زنان از سوی دولت نهم در لایحه معروف به "حمایت از خانواده" شکل گرفت که طی آن دادگاه اختیار یافت تا با احراز برقراری عدالت از سوی مرد، آن هم در نازل‌ترین و سطحی‌ترین شکل آن، یعنی تمکن مالی و اقتصادی، بتواند بدون اجازه همسر اول، ازدواج مجدد را قانونی کند. همچنین در این لایحه که از سوی قوه قضاییه تنظیم شده بود، ولی در کمیسیون حقوقی دولت تغییراتی در آن به وجود آمد، برای مهریه‌های غیر متعارف و سنگین مالیاتی در نظر گرفته شد تا در صورت توافق در مورد آن، قبل از هر کس، دولت حق خود را دریافت کند. ظاهراً این ماده برای کنترل افزایش نرخ مهریه‌ها در نظر گرفته شده تا دولت

از مهریه‌ای که نحوه پرداخت آن اصلاً مشخص نیست پیشاپیش سهم خود را بردارد. این لایحه با تغییرات صورت گرفته از سوی دولت به روشنی بر خلاف شعارهای مطرح شده از سوی دولت و مجلس در حفظ کيان خانواده ضربهای سنگین به این نهاد وارد می‌آورد. البته همه خیراندیشان و مصلحان به تلاش برای عدم بررسی و برگشت آن پرداخته‌اند، اما مداخله دولت در این لایحه که از سوی قوه قضاییه به مجلس ارائه شده سبب شد تا آثار تلاش‌هایی که مجلس و دولت اصلاحات در مسیر ارتقای کمی و کیفی حقوق زنان انجام داده بودند، در مسیر نابودی قرار گیرد. در مسیر تحولاتی که پس از پایان دوران اصلاحات شکل گرفت، دستگاه اجرایی نقض صریح حقوق دختران را هم هدف قرار داد؛ اعمال سهمیه جنسیتی علیه دختران که قبلاً در دوران اصلاحات نیز انجام شده بود و با اعتراض‌ها و پیگیری‌های اعضای فراکسیون زنان و حمایت آقای خاتمی اصلاح شده بود، در سال تحصیلی (۸۶-۸۷) به محرومیت تعدادی از دختران داوطلب رشته‌های پزشکی منجر شد. حوزه تحصیل و آموزش در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به عرصه‌ای برای رقابت کم و بیش میان دختران و پسران تبدیل شده است. در این میدان رقابت دختران ایرانی در سال‌های پس از اصلاحات توانستند با بهره‌گیری از نگرش راهگشای امام خمینی (ره) برای افزایش توانمندی‌های خود و بالفعل ساختن استعدادهای انسانی‌شان به شیوه افتخارآمیزی روی آوردند که در عرصه‌های جهانی درخشش بسیاری یافت. در سال‌های پایانی دولت آقای خاتمی که مساله اجرای سهمیه جنسیتی علیه دختران مطرح شد برخی از نمایندگان اصلاح‌طلب طرح لغو سهمیه‌بندی را در نظام گزینش دانشجو مطرح کردند که در مجلس اصلاحات هم به نتیجه نرسید.

#### جمع‌بندی

امروز نگاه زنان ایرانی به خودشان، جامعه و جهان، با نسل‌های پیشین تفاوت‌هایی اساسی دارد. آنان اینک به تجارب ارزشمندی برای دستیابی به حقوق خود در سطوح مختلف دست یافته‌اند. ایستارها و نگرش‌های آنان امروز بسیار تحول یافته است. زنان برای رسیدن به حقوق برابر در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با مردان به تلاش خود ادامه می‌دهند.

هر چند تاریخ طولانی پدرسالاری در حوزه‌های خصوصی و عمومی این تلاش را با موانع گوناگون مواجه ساخته است ولی آنان آموخته‌اند که در برابر دشواری‌ها و موانع از مساعی خود دست نکشند. تاریخ جنبش دفاع از حقوق زنان در سراسر جهان به خوبی نشان داده که دسترسی به این حقوق جز در پرتو تلاش‌های پیگیر و خستگی‌ناپذیر حاصل نشده است.

بی‌تردید حضور گسترده زنان در حوزه عمومی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است. دیدگاه رهبری انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، با تأکیدهای مکرر ایشان بر ضرورت حضور زنان در حوزه عمومی و ضرورت ایفای نقش توسط ایشان در مقدرات اساسی کشور در این تحول بسیار تاثیرگذار بود. البته آنان نقش‌های خانگی خود را رها نکردند بلکه در پی تحقق بخشیدن به آرمان‌های توسعه همه‌جانبه در کشور، بالفعل کردن استعدادهای توانایی‌های خود را هدف قرار دادند. بسیاری از آن‌ها برگشتن به نقش‌های صرفاً خانگی را پس از پایان رساندن تحصیلات دانشگاهی نمی‌پذیرند و متناسب با کسب مهارت‌های علمی و عملی در پی به دست آوردن فرصت‌های مناسب شغلی تلاش می‌کنند. آنان آموخته‌اند جسور و پرکار باشند و منافع جمعی را همراه با منافع فردی خود هدف قرار دهند.

به هر حال اصلاح‌طلبان، زن یا مرد، با موانعی اساسی مواجه بوده‌اند: فشار محافظه‌کاران و فقنان زیربناهای نهادی و فرهنگی. به این ترتیب تلاش‌های دولت و مجلس اصلاحات برای بهبود شرایط زنان در سطوح مختلفه علیرغم دستاوردهای قابل دفاع، همانند همه تحولات در جوامع در حال گذار با چالش‌های جدی مواجه بوده است. پس از پایان این دوران تلاش‌های همه جانبه برای از میان بردن آثار این اقدامات شدت یافت. تلاش برای بازگرداندن زنان به خانه‌ها و نادیده گرفتن دستاوردهای مساعی گوناگون آنان برای رفع تبعیض‌های گوناگون میراث تاریخ طولانی نظامی پدرسالار بوده است اما این تلاش در مسیر دستیابی به اهداف توسعه، یاری‌کننده نخواهد بود.

#### پانویس

۱. ر.ک: کولای، الهه: نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.